

## هنر زیر پوستی

از چندین سال پیش روی میز پذیرایی خانه ما گردویی وجود دارد که روی آن نقش و نگار حکاکی شده است. گوشه‌ای از گردو هم با خطی خوش نوشته است «رضا» و امضایی کنار آن آمده است. رضا از دوستان فرزندم است.

یک روز پسرم به خانه آمد و گفت که معلم هنرشان ایده‌ای به آن‌ها داده است. آقای معلم فیلمی را در کلاس نمایش داده است که فردی بدون داشتن سرمایه وارد بازارکار می‌شد، وسایلی که دیگر به درد کارگاه‌ها و شرکت‌ها نمی‌خوردند را جمع‌آوری می‌کرد و کارگاه‌هایی را پیدا می‌کرد که به آن وسایل نیاز داشتند. نقش اول این فیلم بدون اینکه پولی بدهد وسایلی به دست می‌آورد که آن‌ها را با قیمت خوبی به کسانی که نیاز داشتند می‌فروخت. تخصص شخصیت این فیلم هنر «فروش» بود.

آقای معلم بعد از نمایش فیلم از بچه‌های کلاس خواسته بود با یک سرمایه کم چیزی بخرند و آن را در نمایشگاه مدرسه بفروشند. بعضی از بچه‌ها از عمده‌فروشی‌ها چیزهای نسبتاً ارزانی خریده بودند و آن‌ها را کمی گران‌تر در نمایشگاه فروخته بودند. بعضی‌ها هم با آن پول وسایلی خریده بودند و با آن وسایل چیزی درست کرده بودند. اما رضا کاری متفاوت انجام داده بود. در باغ کنار مدرسه درخت گردوی بزرگی وجود داشت که رضا گاهی بعد از مدرسه به صاحب آن باغ در کارها کمک می‌کرد و از صاحب آن یک مقدار گردو به جای دستمزد گرفته بود. رضا مغز گردوها را در آب نمک و سرکه خوابانده بود و برای فروش گذاشته بود. اما بخش خلاقانه آن پوست گردوها بود. رضا روی پوست گردوها با ابزارهای مخصوص نقش‌هایی را حکاکی کرده بود. روی میز علاوه بر مغز گردوها پوست گردوها هم چیده شده بود و با قیمتی مناسب برای فروش گذاشته شده بود. رضا بدون اینکه پولی را خرج کند، چندین برابر آن پول را صرفاً از طریق هنر و شم اقتصادی‌اش به دست آورد.

لزوماً برای درآمدداشتن نیازی به سرمایه نیست، گاهی اوقات می‌توانیم به اطراف دقت کنیم، مواد اولیه لازم را به دست بیاوریم و آن را در فضایی درست عرضه کنیم؛ همان کاری که رضا انجام داد.

× محمدعلی قربانی ×



کنده‌کاری روی پوست گردو

لطفاً اسکن کنید